گزارش

دست رد جبهه پایداری به جلسات جامعه روحانیت

● **شرق:** درحالی‌که جامعه روحانیت مبارز اعلام کرده که نمی‌خواهد در انتخابات ۱۴۰۰ دنباله‌رو بقیه باشد و عزمش را برای بازگشت به روزهای اوج و محوریتش در عرصه انتخابات اصولگرایی حفظ کند اما این‌طور که مشخص است، یک جریان به‌هیچ‌عنوان نمی‌خواهد زیر بار این مسئله برود. درحالی‌که جریان‌های سنتی مانند مؤتلفه و جبهه پیروان خط امام و رهبری تلویحا یا رسما زعامت جامعه روحانیت را پذیرفته‌اند، چون نه‌تنها همسویی بیشتری با آن دارند بلکه حس می‌کنند منافع‌شان با این همسویی بیشتر حفظ می‌شود اما تا جبهه پایداری طبق معمول زیر بار نرفته است.

به گزارش برنا سخنگوی جامعه روحانیت مبارز گفت: تقریبا می‌توان گفت به استثنای پایداری، در جلسات جامعه روحانیت مبارز همه احزاب حضور پیدا کرده‌اند البته از پایداری دعوت شده و مذاکراتی نیز با آنها صورت گرفته و آنها نیز تاکنون نفی نکرده‌اند. غلامرضا مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، درباره آخرین برنامه‌های انتخاباتی و جلسات جریان اصولگرایی برای انتخابات ۱۴۰۰، گفت: جامعه روحانیت مبارز، فعالیت‌های انتخاباتی خود را به‌صورت جدی و فعال آغاز کرده است؛ البته مبنای آن هم این بوده که مجموعه فعالان عرصه سیاسی در جریان اصولگرایی را میزبانی کند تا آنها به میدان بیایند و به‌نوعی فراگیر، همه جریانات سیاسی اصولگرا حضور داشته باشند.

او افزود: خوشبختانه جمع گسترده‌ای این دعوت را پذیرفته‌اند و بیش از ۴۰ حزب در این مجموعه قرار دارند، تقریبا می‌توان گفت که به استثنای پایداری، همه احزاب حضور پیدا کرده‌اند، البته از پایداری دعوت شده و مذاکراتی نیز با آنها صورت گرفته و آنها نیز تاکنون نفی نکرده‌اند. علاوه بر اینها، شخصیت‌های تأثیرگذار در این جریان هم دعوت شده‌اند که اکثرا استقبال کرده‌اند.

در این حرکت جدید همه حضور دارند. ۵۰ تشکل اصولگرا به‌معنای احزاب رسمی و شناسنامه‌دار حضور دارند نه اینکه هرکسی مدعی تشکلی باشد. ما از همه احزاب رسمی و شناسنامه‌دار برای حضور در جلسات دعوت کردیم و هیچ‌کس خارج از مجموعه نیست، اما اکثرا پذیرفته‌اند و حضور پیدا کرده‌اند، حال ممکن است تعداد کمی هم حضور پیدا نکرده باشند که بنده به پایداری اشاره کردم. اما آن زمان که شورای ائتلاف شکل گرفته بود، مبنای آن به‌هیچ‌وجه حضور احزاب نبود بلکه روی اشخاص حقیقی تأکید داشت و ما این موضوع را نقیصه‌ای می‌دانستیم، ازاین‌رو این مسئله مطرح شد که آیا می‌توان گفت احزاب در یک حرکت سیاسی مانند انتخابات حضور نداشته باشند و صرفا بر اشخاص تأکید کنیم؟!

غیر از این هم باید بررسی کرد که اشخاص با چه پشتوانه‌ای می‌خواهند وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند. او در پاسخ به این سؤال که امکان ورود جامعه مدرسین به انتخابات وجود دارد؟ تأکید کرد: درواقع به اصرار از سوی جامعه روحانیت مبارز امکان‌پذیر شده است. ما از آنها با اصرار تقاضا کردیم که به جمع این حرکت بپیوندند و فقط مصوبه‌ای داشتند که اگر مایل باشند آن مصوبه را مورد بازنگری قرار دهند؛ چون نگرانی آنها ناشی از وضعیت قبلی انتخابات بوده است و این وضعیت جدید، علی‌القاعده باید نگرانی آقایان را برطرف کرده باشد.

اعضای جامعه روحانیت مبارز در گذشته‌های نه‌چندان دور حضوری پررنگ در مناسبات جریان اصولگرایی داشتند. اما در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی این تشکل به‌تدریج حاشیه‌نشین شد؛ به‌طوری‌که در نشست‌های انتخاباتی اصولگرایان چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. حسین ابراهیمی، عضو جامعه روحانیت مبارز، دراین‌باره به اعتمادآنلاین گفت: جامعه روحانیت با اصولگرایان مشکلی ندارد و مثل همیشه فعالیت زیادی می‌کند. اینکه برخی می‌گویند بعد از آیت‌الله مهدوی‌کنی اصولگرایان ما را جدی نمی‌گیرند، نمی‌تواند دلیلی بر انفعال جامعه روحانیت باشد. به‌هرحال در هر تشکلی ممکن است افراد تخلف‌هایی داشته باشند که این اصلا به توانایی و قدرت تأثیرگذاری جامعه روحانیت مبارز ربطی ندارد.

تخلف افراد نشانه ضعف جامعه روحانیت مبارز نیست. جامعه روحانیت مبارز شرکت سهامی نیست که دنبال سهمیه باشد و برای حضور چهره‌هایش در لیست‌های انتخاباتی فعالیت کند. روحانیت همیشه ارشاد، تشویق، ایجاد وحدت و هم‌گرایی را در اولویت می‌داند و از قبل هم با وجود تلاش‌های زیاد هیچ‌وقت سهم‌خواهی نکرده و کارهایی انجام می‌دهد که آنها را وظیفه شرعی و عقلی می‌داند.

گفت‌وگو با مهدی معتمدی‌مهر و امیر مکی درباره حیات سیاسی حسین مکی

۲ روایت از اختلاف مکی و مصدق

مکی؛ سرباز فداکار وطن یا خطاکاری بزرگ؟

مهرشاد ایمانی: حسین مکی چهره‌ای دوگانه در تاریخ معاصر ایران دارد؛ برخی او را سرباز فداکار وطن می‌نامند و برخی او را یک خطاکار قلمداد می‌کنند؛ اویی که در جریان ملی‌شدن صنعت نفت به‌عنوان یکی از اعضای هیئت خلع ید تلاش‌های بسیاری کرد، اما بعد از ۳۰ تیر سال ۳۱ به مخالفت با مصدق پرداخت و بیشتر با ابوالقاسم کاشانی و مظفر بقایی همراه شد که همین موضوع، نگاه‌های مختلفی در تحلیل و بازخوانی حیات سیاسی او به وجود آورده است. به بهانه سالروز درگذشت حسین مکی، در این مجال کوشیده‌ایم دو روایت مخالف و موافق مکی را ارائه کنیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

روایت معتمدی‌مهر از حسین مکی:
عامل تفرقه میان رهبران نهضت ملی ایران

مهدی معتمدی‌مهر، فعال سیاسی، درباره نقش و تأثیر حسین مکی بر جریان نهضت ملی‌شدن صنعت نفت به «شرق» گفت: «حسین مکی، پژوهشگری نام‌آشنا در حوزه تاریخ و مؤلف آثار ارزشمندی مانند تاریخ بیست‌ساله، زندگانی سیدحسن مدرس و کتاب سیاه است. مکی در عرصه سیاست هم نامی بلند دارد و پس از شهریور۱۳۲۰ با پاگذاشتن به حوزه روزنامه‌نگاری و تألیفات تاریخی، ادبی و اجتماعی، مشارکت در تأسیس حزب ایران و نیز به‌عنوان عضو مؤسس حزب دموکرات ایران به رهبری احمد قوام، به چهره‌ای آشنا و مؤثر تبدیل شد. ظرفیت قلمی، خطابه‌های شورانگیز و تهور سیاسی، زمینه ورود مکی به دوره چهاردهم مجلس شورای ملی را فراهم کرد. اقدامات مسئولانه‌ای نظیر استیضاح دولت ساعد و نیز مخالفت صریح با قرارداد گس-گلشاییان، مقدمه رویکرد استقلال‌طلبانه‌ای بود که مکی و جمعی از دوستانش را به اندیشه تشکیل جبهه ملی و تسریع روند نهضت ملی‌کردن نفت به رهبری دکتر مصدق رهنمون کرد. خدمات مکی در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران و حضور، همراهی و ابتکارات او در هیئت خلع ید به سرپرستی زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان، از دلایلی است که شایستگی او را به دریافت لقب سرباز فداکار وطن ثابت می‌کند».

او ادامه داد: «مکی در انگیزش آیت‌الله کاشانی به حمایت از دکتر مصدق در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نقشی انکارشدنی دارد، اما به تدریج و متعاقب سفر به آمریکا در شهریور ۱۳۳۱ که برای اخذ حمایت بانک جهانی از دولت مصدق انجام شد، دامنه اختلاف‌های مکی با مصدق رشد فزاینده‌ای پیدا کرد که سرانجام، نه‌تنها به قطع رابطه او با مصدق انجامید، بلکه منجر به سکوت یا رضایت او در قبال کودتای ۲۸ مرداد و حتی همکاری کوتاه‌مدت با دولت کودتا شد و این گونه بود که سرباز فداکار وطن، در نیمه راه نهضتی برای وطن جا ماند یا کنار کشید و سپس برای همیشه از دنیای سیاست فاصله گرفت و به تألیف و پژوهش در حوزه تاریخ و ادبیات اکتفا کرد».

معتمدی‌مهر اختلاف‌های مکی با دکتر مصدق را این‌گونه بیان کرد: «اختلاف‌های مکی با مصدق را می‌توان در دو سطح مسائل خرد مدیریتی و رویکردهای کلان سیاسی ارزیابی کرد. منظور از مسائل خرد مدیریتی، مصادیقی است مانند اختلاف‌های مطرح‌شده در هیئت اندوخته اسکناس، افزایش اختیارات مصدق، انحلال مجلس، رویکرد مصدق در قبال سیاست‌های پیشنهادی بانک جهانی یا اعتراض‌های مکرر او به برخی انتصابات دکتر مصدق مانند رضا فلاح در هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت یا مخالفت با انتصاب سرلشکر افشارطوس به ریاست شهربانی. پرداختن به این دعواهای موردی، اگرچه می‌تواند از منظر موشکافی‌های تاریخی حاوی برخی روشنگری‌ها باشد، اما در شرایطی که ابتلا به فقر اسناد تاریخی منجر به نشر روایات غیرصریح، غیردقیق و جانبدارانه راویان وابسته به جریانات متخاصم سیاسی شده است و در غیاب نگرش راهبردی به مناسبات کلان سیاست بین‌الملل در دوران جنگ سرد و نادیده‌گرفتن تقابل‌ها و تضادهای داخلی میان رویکردهای دوگانه «اصلاح‌طلبی» به رهبری «مصدق» و «محافظه‌کاری» با نماد «دربار» و رهبری «شاه»، چه‌بسا تمرکز بر موارد خاص اختلافی، در راستای دستیابی به تحلیلی همه‌جانبه از قضایا و مرافعات، غیرمفید، ابهام‌آفرین و حتی گمراه‌کننده قلمداد شود».

این فعال سیاسی در نقد مکی خصایل او را این‌گونه معرفی کرد: «خصلت‌های فردی مکی مانند جاه‌طلبی، سیاست‌بارگی، شعارزدگی و خودخواهی‌های او می‌تواند دلایل بخشی از تضادهای او با مصدق را بازگو کند. این وجه خصلتی در گزارش‌های تاریخی ناظر بر اختلاف‌های مکی با مهندس بازرگان در هیئت خلع ید نیز تبلور یافته و نشان می‌دهد در شرایطی که دکتر مصدق خواهان سروسامان‌گرفتن مسئله تولید نفت بود و می‌خواست مسئله ملی‌کردن صنعت نفت را از سطح منازعه سیاسی با دولت انگلستان به دعوایی حقوقی با یک شرکت خصوصی تنزل دهد، مکی در کوشه‌وکنار خوزستان جنجال می‌آفرید، شعارهای تند می‌داد و سطح انتظارات مردم را به سود محبوب‌کردن خویش و به بهای توقف روند سازندگی و تولید، برمی‌انگیخت. از جمله قرائن دیگری که حکایت از تأثیر خصلت‌های شخصی و انگیزه‌های فردی مکی در مواجهه با مصدق دارد، می‌توان به روایت اصغر پارسا اشاره کرد که با مکی در سفر شهریور ۱۳۳۱ به آمریکا همراه بود. پارسا می‌گوید: «آمریکایی‌ها به مکی وعده نخست‌وزیری داده و به او القا کرده بودند که وی را هم‌تراز مصدق و بلکه کاراتر از او می‌شناسند. حتی اگر نقل‌قول خوش‌بینانه‌تری را که به حذردادن مکی از عاقبت دولت و دوستان مصدق از سوی آمریکایی‌ها اشاره دارد، مدنظر قرار دهیم، باز هم وجهی از ترس و ملاحظات فردی را برملا می‌بینیم. فراتر از سنت رایج مباهته‌جویانه‌ای که تخریب مخالفان را به هر شیوه‌ای روا می‌داند، در ارتباط با فساد مالی یا زدوبند مکی با دربار در دست نیست و به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی از رفیقان نیمه راه نهضت، درکی راهبردی از شرایط عینی جامعه و بازی‌گردانی بازیگران سیاسی نشان ندادند، مکی نیز متوجه نشد که در فضای دوقطبی سیاسی، اگر در کنار اصلاح‌طلبی مصدق نایستد، لاجرم به سود محافظه‌کاری، ارتجاع دربار و حفظ نظم استبدادی عمل کرده است».

معتمدی‌مهر مکی را یکی از تفرقه‌اندازان در میان نهضت ملی ایران می‌داند: «تردید نمی‌توان کرد که مکی نگران گسترش نفوذ حزب توده بود و در ترویج برداشت‌های مبالغه‌آمیز چپ‌هراسانه و گسترش فضای واهمه از خطر کمونیسم، همراه و چه‌بسا از جمله انگیزه‌دهندگان به آیت‌الله کاشانی بوده است و ازاین‌رو، در عداد تفرقه‌اندازان میان رهبران نهضت ملی ایران جا دارد. مکی با وجود تجربه سیاسی‌اش، ارزیابی درستی از چرخش سیاسی بقایی پیدا نکرد و حتی در ۱۳۳۹ به اتفاق مظفر بقایی سازمان نگهبان آزادی را بنیاد نهاد و حال آنکه در آن تاریخ، دست مظفر بقایی برای بسیاری از همراهان سابقش رو شده بود. به نظر می‌رسد مکی، آن سیاست‌مدار برجسته و تاریخ‌دان، نگرشی کوته‌بینانه از روند تاریخی و سیاسی دوران خود داشت و نتوانست از ظرفیت دانش

تاریخی خویش در راستای تقویت جنبش اجتماعی ایران و به سود عاقبت‌به‌خیری خویش در عرصه سیاست بهره گیرد».

او نگاه مکی به ملی‌شدن نفت را این‌گونه تشریح می‌کند: «نگرش حسین مکی به مسئله ملی‌شدن صنعت نفت و نادیده‌گرفتن اصول حقوق اساسی که حفظ استقلال، آزادی و حاکمیت قانون را قابل تقویم با برآوردهای اقتصادی و پولی نمی‌داند، دلیلی است که وادادگی مکی در قبال پیشنهادات بانک جهانی و عدم مفاهمه او با نگاه مصدق در این خصوص را توضیح می‌دهد. مصدق استقلال و هیچ‌یک از اصول ناظر بر حقوق اساسی و حاکمیت ملت را قابل معامله و هم‌تراز با منافع مالی نمی‌دانست. متأسفانه این سنخ استدلالات و محاسبات مالی پیرامون خسارت‌های ملی‌شدن نفت ایران که چندان از دقت و شفافیت برخوردار نیستند، امروزه هم توسط عده‌ای تکرار می‌شود. مخالفت مکی با انحلال مجلس هفدهم، نادیده‌گرفتن فضای توطئه‌آمیز مجلس علیه دولت ملی و استدلال‌ها و هشدارهایی که به مصدق داده و گفته است با انحلال مجلس، شاه حق عزل نخست‌وزیر را پیدا می‌کند، اگر که متأثر از وجه منافع فردی و دغدغه در خطر دیدن منصب و مقام تلقی نشود، در راستای کژفهمی او از ساختار بنیادین قانون اساسی مشروطه و نگرش محدود او به پایه‌ای‌ترین اصل مشروطیت قرار دارد که مقرر می‌دارد: شاه به‌هیچ‌وجه حق حکومت ندارد و دستورات او بدون توشیح و تأیید مجلس شورای ملی، برای هیئت وزیران و در رأس آنان شخص نخست‌وزیر وجاهتی ندارد. انحلال مجلس در نظام مشروطه، الزام به برگزاری انتخابات زودهنگام را برای نخست‌وزیر به همراه دارد و این مجلس جدید است که حق عزل یا ابقای نخست‌وزیر را دارد و نه شاه. اگر شاه محق به عزل نخست‌وزیر باشد، در غیاب مجلس منحل‌شده و نخست‌وزیر معزول، باید پذیرفت که شاه از حقوق کامل حکومت برخوردار می‌شود و البته این نگرش، خلاف اساس مشروطیت و مترادف با بازگشت به استبداد است».

مهدی معتمدی‌مهر در پایان گفت: «قصه حسین مکی، روایت دیروز نیست و حسین مکی هم تنها یک شخصیت سیاسی در گذشته تاریخی به شمار نمی‌رود. مکی یک الگوست؛ الگویی نارس از یک سیاست‌مدار اراده‌گرا که مقدرات و ملزمات سیاست‌ورزی دوقطبی را نمی‌فهمد. هم پیش از مکی و هم پس از او، نمونه‌ها و مصادیقی را می‌توان برشمرد که خواهان نشستن بر کرسی خط سوم و فراتر از دو اردوگاه محافظه‌کاری و اصلاح‌طلبی بوده‌اند. تاریخ گواهی می‌دهد که در طیف خط‌سومی‌ها، آنان که حسن‌نیت دارند، در نهایت به مغاک انفعال و فراموشی و تک‌روی گرفتار می‌آیند و نمونه‌هایی که مفسدانه و خائنانه به رویارویی با اصلاح‌گری برمی‌خیزند، در توقف فرایند گذار به دموکراسی، سهیم شده و در روند واگذاری دستاوردهای نهضت دموکراسی‌خواهی و منافع ملی به ارتجاع و استبداد و استعمار، پیشگام خواهند بود. این حکایت، همچنان باقی است. رادیکالیسمِ پیش‌روی جنبش اصلاحات و آنان که غیرمسئولانه یا متعمدانه، مرگ اصلاحات را ترویج می‌کنند، همواره کاری جز زمینه‌سازی برای توفیق مخالفان نداشته‌اند».

روایت امیر مکی از حسین مکی: سرباز فداکار وطن

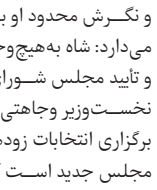

امیر مکی، نویسنده و پژوهشگر تاریخ، روایت خود از حسین مکی را این‌گونه بیان کرد: «نوزدهم آذر درگذشت یکی از مردان طلایی نفت را گرامی می‌داریم؛ آنکه تا قبل از قیام ملی ۳۰ تیر به تعبیر دوست و دشمن سرباز فداکار وطن لقب گرفت و در عرصه نبرد با امپریالست و استعمار پیر، به کرات زبان به اعتراض گشود، تاجایی‌که در ماجرای خلع ید از شرکت نفت انگلیس و نیز ملی‌شدن صنعت نفت ایران، از طرف وزارت خارجه انگلیس نامه گلایه‌آمیزی درباره حضور مکی در جمع هیئت اعزامی به دکتر مصدق ارسال کردند و درخواست جلوگیری از سخنرانی‌های مکی در آبادان را داشتند و به‌راستی که او یکی از مهره‌های اثرگذار و ماندگار آن روزگار بود. نحوه بیان و طرز فکر مکی متفاوت بود، بعضی اوقات محو سخنانش می‌شدم که با چه قاطعیتی از حرکت عظیم سال‌های نهضت ملی‌شدن صنعت نفت از خود و یارانش دفاع می‌کرد. ایشان شخصیتی خاص و منحصربه‌فرد داشت و گاهی اوقات نیز پشیمان از آنچه در گذشته انجام داده بود. به‌راستی که او خودش بود و برای اهدافش دم می‌زد ولی بازدمش آن نبود که انتظار داشت و سرانجامش. بر ما رسالت است که شرح زندگی مردان طلایی نفت را یکی پس از دیگری به هم‌کیشان خود معرفی کنیم و در صورت امکان آنچه را که با جان‌ودل به انجام رسانیده‌اند، بر صفحات تاریخ معاصرمان درج کنیم. آنچه مسلم است حسین مکی از مردم بود، برخاسته از دل مردم بود، به خاطر وطن خواند، به خاطر وطن گفت و در خاک وطن نیز آرام گرفت. نه درس دیپلمات‌ها را خوانده بود و نه زبان آکادمیک می‌دانست و تنها به زبان مردم صحبت می‌کرد و بی‌باک بود. مخالفان او را به رک‌گویی متهم می‌کردند و موافقان او را شجاع و بی‌پروا می‌پنداشتند؛ آنچنان که خبرنگاران انگلیسی و آمریکایی او را به جرقه آتشی تشبیه می‌کردند که هنگام ایراد سخنرانی‌های مهیج خود به گفته ایشان، چهره شیطانی و ضداستعماری به خود می‌گرفت اما مخالفان او را خرابکار روابط با غرب و موافقان او را مخالف استعمار و اجنبی می‌پنداشتند. قبل از اختلاف و شکاف در جبهه ملی، او پررنگ و بی‌مثال بود و سرباز فداکار لقب گرفت اما پس اختلافات داخلی جبهه ملی به گفته مخالفانش کم‌رنگ و خطاکار شد».

او ادامه داد: «مسلما در دوران پساکودتا خلاف آنچه مخالفانش می‌پنداشتند، صورت گرفت. او پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، نه پست وزارت را قبول کرد و نه مناصب دولتی را نگه داشت؛ بلکه به صورت خاصی به نوشتن روی آورد و بر اثر فشار دولت کودتا و ایادی ایشان به‌ناچار گوشه عزلت گزید و به قول امروزی‌ها خانه‌نشین شد. او آن‌قدر مستعد بود که در نگارش تاریخ نیز منحصربه‌فرد شد و نمونه آشکار و مبرهن آن را در شاهکار هشت‌جلدی تاریخ بیست‌ساله او می‌توان دید و جالب‌تر آنکه نگارش ۲۴ سال از تاریخ معاصر این مرزوبوم با همه زیروبم آن در حدود ۴۱ سال به نگارش درآمد؛ چنان‌که پشتکارش در این نوشتار زبانزد خاص و عام شد؛ تاجایی‌که امروز می‌بینیم تاریخ بیست‌ساله حسین مکی به‌عنوان یکی از کتب مرجع موثق تاریخ معاصر ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور نیز مستند بوده و نمود پیدا کرده است».

او در شرح حیات سیاسی زندگی مکی گفت: «مکی پس از شهریور۱۳۲۰ و به‌وجودآمدن فضای باز سیاسی، رسما فعالیت خود را در مطبوعات کشور آغاز کرد و رنگ‌وبویی نو به خود گرفت و به‌عنوان روزنامه‌نگار در روزنامه‌های مهر ایران، کیهان، اطلاعات، اطلاعات هفتگی و مجله آینده، اقدام به نوشتن مقالاتی کرد که خوانندگان زیادی را به خود جذب کرد که از میان آنها می‌توان استاد ملک‌الشعرای بهار را نام برد. در سال ۱۳۲۲ به اتفاق عده‌ای از مهندسان از جمله مهندس غلامعلی فریور حزب ایران را به‌صورت مستقل تأسیس کردند و در سال ۱۳۲۴ برابر با پنجمین دوره نخست‌وزیری قوام، حسین مکی به معاونت شهرداری تهران انتخاب و سپس با سمت مدیریت کل وزارتخانه کار مشغول به کار شد. او پس از تشکیل حزب دموکرات از سوی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۵ به درخواست شخص نخست‌وزیر به عضویت حزب درآمد و عضو کمیته تشکیلات حزب شد و ریاست تشکیلات حزب دموکرات را در غرب ایران و استان مرکزی عهده‌دار شد. مکی در مجلس پانزدهم نماینده مردم اراک شد. او در سال ۱۳۲۶ پس از بازنگری در مواضع سیاسی خود، در دوران دولت رزم‌آرا و ساعد به مخالفت با قرارداد گس-گلشاییان پرداخت و در همین ایام با همکاری مظفر بقایی حزب اقلیت را تشکیل دادند. مکی در مجلس شانزدهم حول محور دکتر محمد مصدق به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و مبارزه‌ای آشکار با متحدان خود با دولت رزم‌آرا آغاز کرد، آن‌چنان که به شهرت سیاسی‌اش اضافه شد، بی‌پروا و با قدرت فراوان مخالفت خود را ابراز کرد و مبارزات علنی او و هم‌پیمانانش رقم خورد و در عمل زمام امور مجلس شانزدهم را به دست گرفتند. مکی در دوره هفدهم مجلس شورای ملی به‌عنوان نماینده اول تهران انتخاب و نیز در ۲۹ اسفند ۳۱ از سوی دکتر مصدق، نخست‌وزیر وقت، به‌عنوان مشاور ایشان انتخاب شد».

این پژوهشگر تاریخی اختلافات مصدق و مکی را این‌گونه شرح می‌دهد: «پرواضح است که زندگی سیاسی مکی به دو بخش قبل و بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد تقسیم شد که با توجه به مطالعات انجام‌شده و نظرات شخصی ایشان، تغییرات عمده‌ای در اصل و نظرشان ایجاد نشد و فعالیت‌های پس از کودتا و نیز مدارک موجود، برخلاف ادعاهای دیگران دلیلی محکم بر این ادعاست. شروع اختلافات مکی با مصدق نیز پس از درخواست ایشان بر اختیارات شش‌ماهه و نیز در زمان انحلال مجلس هفدهم رنگ و لعابی خاص به خود گرفت و مسیر اوج اختلاف حادث شد که به قول او: من با دکتر مصدق عقد زناشویی نبسته بودم که مجبور باشم تا پایان عمر بر آن پایبند باشم، علت عدم همکاری خود با او را بارها گفته و نوشته‌ام. عقیده داشتم و دارم که او برخلاف نهضت ملی قدم برداشت و من نتوانستم با او همگامی کنم و اما چه در زمان مصدق و چه بعد از او پست‌های وزارت دربار، نخست‌وزیری، وزارت کشور و استانداری خوزستان و مدیرعاملی شرکت نفت را که به من پیشنهاد شد، نپذیرفتم. هدف من خدمت به وطن بود، نه تکیه‌زدن بر منصب. با سربلندی تا حدی که از دستم برآمده، خدمت کرده‌ام و هیچ‌گاه قدمی برخلاف خواسته خود و مصلحت مملکت برنداشتم. شاید اگر من هم منصبی را پذیرفته بودم و چند صباحی جامه وزارت و صدارت بر تن می‌کردم، ناچار می‌شدم مخفیانه از مملکت بگریزم و به دیار فرنگ پناه ببرم و برای تبرئه گذشته خود داستان‌پردازی کنم. پرواضح است که اگر به خیلی‌ها تنها آفتابه‌داری دربار را پیشنهاد می‌دادند، بر روی چشم می‌گذاشتند و اطاعت امر می‌کردند».

او مکی را یکی از سکانداران قیام ۳۰ تیر دانست و ادامه داد: «حسین مکی در مجلس علیه اعطای لقب کبیر به رضاشاه و علیه وابستگان به دربار مخالفت‌ها و سخنرانی‌های متعددی داشت. در دوره رزم‌آرا در خیابان‌ها روزنامه‌فروشی می‌کرد؛ چراکه پلیس وقت، روزنامه‌های مخالف دولت را توقیف می‌کرد و ایشان به دلیل مصونیت پارلمانی چاره‌ای جز انجام این کار نمی‌دید. نمایندگان آن زمان مکی را متخصص از اکثریت انداختن مجلس می‌شناختند. مکی نه با نام و نسب اشرافی، نه از زمره دوله‌ها، سلطنه‌ها و ممالک‌ها و ملک‌ها؛ بلکه از خود مردم بود. چه بخواهیم و چه نخواهیم، مکی یکی از سکانداران اصلی قیام ملی۳۰ تیر بود. آری مکی همان بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد در جلسه‌ای که با زاهدی در قیطریه داشت و زاهدی خبر اعدام احتمالی مصدق را به مکی داد، ناگهان حسین مکی فریاد کشید و گفت: آن کس که بتواند دکتر مصدق را اعدام نماید از مادر زاییده نشده است».

او ادامه داد: «همچنین به دلیل قبول‌نکردن دعوت‌های مکرر زاهدی از طرف مکی روابطشان به‌سرعت رو به سردی گرایید تا جایی که پس از اعلام جرم خواندنی حسین مکی به دلیل حادثه ۱۶ آذر که به‌واقع در روزگار خفقان پس از کودتا در نوع خود شاهکاری است، نامه‌ای توهین‌آمیز از طرف دولت زاهدی صادر و عملا مکی به طور کامل از حضور در صحنه سیاست کشور کنار زده شد و مضافا اینکه تحت نظر امنیتی نیز قرار گرفت».

مکی درباره مواضع حسین مکی در انقلاب اسلامی سال ۵۷ گفت: «در کوران انقلاب ۱۳۵۷ نیز با سن نزدیک به ۷۰ سال کماکان خاموش نبود و با ارائه دو مقاله جذاب و خواندنی در سال پایانی حکومت پهلوی با عناوین بسیاری از علل نارضایتی‌ها مربوط به گذشته است (۱۵ مهر ۵۷) و حکومتگران کوته‌فکر (۲۹ مهر ۵۷) اهداف خود را تبیین می‌کرد. سرانجام با تمام این اوصاف، سرباز فداکار وطن در روز ۱۹ آذر سال ۱۳۷۸ بر اثر کهولت سن و ابتلا به سرطان ریه در بیمارستان آراد تهران چشم از جهان فروبست».

روزنه

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد
تأیید حکم اعدام زم

● **شرق:** سخنگوی قوه قضائیه خبر تأیید حکم اعدام زم را اعلام کرده و گفته است: در حدود بیش از یک ماه قبل، دیوان عالی کشور به این پرونده رسیدگی کرده و حکم صادره از دادگاه انقلاب دراین‌باره به تأیید دیوان عالی کشور رسیده است. با این خبر باید منتظر ارسال پرونده زم به اجرای احکام و تعیین زمان اجرای حکم اعدام شد. نام روح‌الله زم از دی‌ماه پرحادثه سال ۱۳۹۶ و با نام کانال آمدنیوز بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتاد. فعالیت‌های آمدنیوز در افراط‌گرایی، تشدید فضای دوقطبی، تهییج روانی جامعه و ترویج خشونت چنان بود که شرکت تلگرام این کانال را با شکایت ایران و به خاطر تبلیغ فعالیت‌های تروریستی از دسترس خارج کرد؛ اما خیلی زود کانالی تلگرامی به نام «صدای مردم» جایگزین آن شد.روح‌الله زم متولد پنجم مرداد ۱۳۵۷ در تهران و مؤسس سایت و کانال تلگرامی خبری- تحلیلی آمدنیوز است. او یکی از مخالفان فعال حکومت جمهوری اسلامی ایران است که سال‌ها به انتشار اخبار جعلی علیه جمهوری اسلامی ایران مشغول بود. وی پس از دستگیری در سال ۱۳۸۸ و سپس خروج از ایران به بهانه مرخصی چندروزه از زندان، با تشکیل سایت و کانالی تلگرامی به نام آمدنیوز، به کار خود به‌عنوان خبرنگار ادامه داد.در ۲۲ مهر ۱۳۹۸ رسانه‌های داخل ایران خبر از دستگیری روح‌الله زم به دست سازمان اطلاعات سپاه دادند. سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای که دراین‌باره منتشر کرد، بدون اشاره به زمان و مکان این بازداشت، گفت: «زم را به داخل کشور هدایت و بازداشت کرده‌اند».پیش‌تر رئیس پلیس بین‌الملل نیروی انتظامی ایران اعلام کرده بود ایران از طریق اینترپل به دنبال استرداد تعدادی از متهمان پرونده‌های اقتصادی و مخالفان سیاسی، از جمله روح‌الله زم است. هم‌زمان در کانال تلگرام آمدنیوز پیامی مبنی بر دستگیری زم با لوگوی سپاه پاسداران منتشر شد که نشان می‌داد این سازمان کنترل کانال آمدنیوز را در اختیار گرفته است. صداوسیما چند ساعت پس از انتشار خبر دستگیری زم، ویدئویی کوتاه از اعتراف تلویزیونی او را پخش کرد. در این ویدئو زم در اظهاراتی کوتاه و خلاصه‌شده از رفتارهای رسانه‌ای‌اش در سال‌های اخیر ابراز پشیمانی کرد و گفت «از نظام هم عذرخواهی می‌کند». پس از انتشار خبر دستگیری زم، بعضی مقامات بلندپایه مانند ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و محمدحسین باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، با انتشار بیانیه‌هایی به این موضوع واکنش نشان دادند. یک روز پس از دستگیری زم، نشریه فرانسوی فیگارو در مقاله‌ای مدعی شد تشکیلات امنیتی ایران یک زن جوان را برای دیدار با روح‌الله زم به محل اقامت او در فرانسه اعزام کرده بودند. این زن، زم را متقاعد کرده برای دیدار با آیت‌الله سیستانی به نجف عراق سفر کند و زم پس از ورود به نجف، از سوی نیروهای امنیتی ایران دستگیر و به داخل کشور منتقل شده است.پس از چندین ماه بازجویی و تحقیقات از روح‌الله زم، نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده او روز دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۸ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب برگزار شد؛ دادگاهی درباره چرایی انتخابش. پیش‌تر سخنگوی قوه قضائیه مواردی بیان کرده و با توجه به ابعاد پرونده و شمار متهمان، در چندین جلسه به بررسی پرونده زم و همکارانش پرداخت و رئیس این دادگاه قاضی صلواتی بود. روز سه‌شنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۹۹، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، در بیست‌وهشتمین نشست خبری خود درباره آخرین وضعیت پرونده روح‌الله زم و حکم غیرقطعی و در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا رأی پرونده روح‌الله زم صادر شده یا خیر، گفت: بله، حکم صادر شده است. از آنجا که رسیدگی به اتمام رسیده، حکم مبنی بر محکومیت زم صادر شده است و گرچه ما در ایام غیرقطعی جزئیات آن را نمی‌گوییم، ولی پرونده‌ای بود که در راستای ماده ۳۵۵ آیین دادرسی کیفری اجازه انتشار جریان دادگاه اخذ شده بود و می‌توانیم جزئیات آن را بگوییم.

وی افزود: از موارد اتهامی متعددی که روح‌الله زم داشت، دادگاه ۱۳ مورد از عناوین ریز اتهامات را توأم با هم از مصادیق افساد فی‌الارض دانسته و حکم اعدام صادر کرده است و درمورد چند مورد اتهامی که افساد فی‌الارض نبود، به مجازات حبس محکوم شده است.

در نهایت ظهر دیروز اسماعیلی از قطعی‌شدن حکم زم خبر داد. روح‌الله زم دستگیری پرسروصدایی داشت و اکنون در یک‌قدمی اعدام قرار دارد و اگر اتفاق جدیدی در پرونده رخ ندهد، احتمالا به‌زودی حکم اجرا خواهد شد. اعدام پایان تلخی برای فردی است که سنگین‌ترین تیم حفاظتی در فرانسه (بعد از رئیس‌جمهور فرانسه) را داشته است.